

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸

تحلیل حقوقی و اقتصادی وضعیت معاملات مبتنی بر رانت اطلاعاتی

۱- فاطمه السادات حسینی، دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران،

ایمیل، hosseinilawyer@yahoo.com

۲- دکتر جواد حسین زاده، دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)،

ایمیل، Hoseinzadeh@usc.ac.ir

۳- دکتر عباس میرشکاری، استادیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران،

ایران، ایمیل، Mirshekariabbas1@ut.ac.ir

این مقاله در دوره ۲۵ شماره ۶۶ (تابستان ۱۴۰۵) نشریه پژوهشهای حقوقی منتشر خواهد شد.

چکیده

قراردادهای مبتنی بر رانت اطلاعاتی، قراردادهایی هستند که یکی از متعاقدين با استفاده از موقعیت یا ارتباط خود، از اطلاعات مهم اقتصادی که هنوز عمومی نشده‌اند آگاه می‌گردد و از طریق آنها معاملاتی را در جهت منافع شخصی‌اش منعقد می‌نماید. این اطلاعات غالباً در اختیار مقامات و مسئولین دولتی و منسوبان آنها قرار دارند. با وجود کثرت این قبیل معاملات در جامعه، تاکنون قانونگذار ایران در مورد وضعیت آنها حکمی وضع نکرده است. درحالی‌که این قراردادها علاوه بر فقدان کارایی اقتصادی، باعث اتلاف منابع موجود جامعه به سمت فعالیتهای غیر تولیدی می‌گردد. در ادبیات حقوقی نیز کمتر به این موضوع پرداخته شده است. این نوشتار به روش توصیفی _ تحلیلی درصدد بررسی وضعیت حقوقی معاملات مذکور است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که دارنده اطلاعات رانتی مکلف به افشاء اطلاعات به طرف قرارداد است و در صورت نقض این تعهد، متضرر می‌تواند قرارداد را به استناد خیار تدریس، فسخ یا تقاضای استرداد اضافه درآمدهای حاصله را بنماید.

کلید واژه‌ها: رانت اطلاعاتی، اطلاعات باز توزیعی، کارایی اقتصادی، افشای اطلاعات، داراشدن ناعادلانه

امروزه نقش تعیین کننده و روز افزون اطلاعات در انعقاد و اجرای قراردادها و ضرورت آشنایی با آثار حقوقی و قضایی آن در روابط پیچیده قراردادی بر هیچ کس پوشیده نیست. میل به داشتن اطلاعات دست اول، انحصاری و البته مهم که دیگران از آن بی بهره اند یا دست کم مدتی بعد از آن مطلع خواهند شد، نیز از همین مساله نشات می گیرد. این امر در حوزه قراردادها که حاصل توافق آگاهانه طرفین است، اهمیتی ویژه دارد. با وجود این مهم، اطلاعات طرفین قرارداد همیشه یکسان نیست. به نحوی که یکی از متعاملین دارای اطلاعاتی است که طرف مقابل فاقد آن است. این عدم تقارن اطلاعات گاه به دلیل هوش ذاتی، تخصص و تجربه کاری یکی از طرفین قرارداد است. به عنوان مثال فردی به دلیل تجربه اش می تواند سیر صعودی و نزولی قیمت کالای متعلق به خویش را در آینده حدس زده و بر اساس آن هم اکنون اقدام نماید، در این خصوص، مساله سوء استفاده از اطلاعات را نمی توان احتمال داد اما در جایی که اطلاع یک طرف از برخی وقایع به دلیل رانت اطلاعاتی است موضوع قابل بحث است. برای مثال در فرضی که شخص از اطلاعاتی که هنوز عمومی نشده و در دسترس همگان قرار نگرفته با استفاده از ارتباطات خاص خود، با خبر می شود و متناسب با این اطلاعات، معامله ای منعقد و درآمد باد آورده ای را کسب می کند که استحقاق آن را ندارد یا از ضرر مسلمی مصون می ماند، قاعدتا مساله سوء استفاده از اطلاعات مطرح است که نظام حقوقی نباید نسبت به آن بی تفاوت باشد و به راحتی از آن عبور کند.

این قراردادها در جامعه ای که با تغییر قوانین و مقررات اقتصادی مواجه می باشد، به وفور در حال گسترش است. افرادی به واسطه موقعیت خود از تغییرات قریب الوقوع در قوانین و تصمیم گیری های جدید، اصلاحات در نقشه های جامع شهری مطلع می گردند و از این اطلاعات در جهت منافع شخصی خود استفاده می کنند. این دستیابی زیرکانه به اطلاعات موجب شکل گیری رقابت ناسالم اقتصادی در بازار می شود که می تواند آثار سوء اقتصادی و اجتماعی به دنبال داشته باشد.^۱ از مهم ترین رانت های اطلاعاتی، رانت ناشی از سرمایه گذارپهای عمرانی است. بطور مثال، فردی به دلیل عضویت در شورای شهر از این موضوع که قرار بر احداث کمربندی از زمین های اطراف شهر است و به موجب این اطلاع، قبل از اعلان عمومی، مبادرت به خرید زمین ها به قیمت ارزان کرده و منافع فراوانی کسب می نماید. شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه از یک سو و فقدان قوانینی موثر از سوی دیگر، موجبات تشدید سوء استفاده از اطلاعات قبل از اعلان رسمی را فراهم می کند.

^۱ - فضلی نژاد، ۱۳۸۹: ۱۳۲

علیرغم اینکه قانونگذار در برخی قوانین خاص، مانند قانون بازار سرمایه مصوب ۱۳۸۴، سوء استفاده از اطلاعات نهانی را در ماده ۴۶ جرم انگاری کرده و طبق ماده ۵۲ آن قانون، حق مطالبه خسارت برای متضرر در نظر گرفته است و همچنین در بند ک ماده ۴۵ قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ ق. اساسی کسب غیر مجاز، سوء استفاده از اطلاعات و موقعیت اشخاص که منجر به اخلال در رقابت می‌گردد، ممنوع شده است ولی استفاده از رانت اطلاعاتی توسط مقامات دولتی و مرتبپین آنها، از حوزه جرم انگاری خارج مانده است. در حالی که اهمیت این مساله به مراتب بیشتر از افشای اسرار تجاری و سوء استفاده از اطلاعاتی است که منجر به اخلال در رقابت می‌گردد، زیرا استفاده از رانت اطلاعاتی توسط مقامات دولتی و مرتبپین آنها در شرایط سخت اقتصادی که عموم مردم با آن مواجه هستند، اعتماد عمومی نسبت به حاکمیت را سلب می‌کند. بنابراین ضروری است که قانونگذار در این مورد نیز توجه شایسته نماید.

لازم به ذکر است که در نظام حقوقی امریکا طبق مقررہ ای، سوء استفاده از اطلاعات نهانی عمومی نشده توسط مقامات دولتی به لحاظ اخلاقی نفی و ممنوع شده است^۲ و به موجب قانون خاصی تحت عنوان « ممنوعیت تجارت با استفاده از اطلاعات کنگره » که در سال ۲۰۱۲ تصویب شد، استفاده از اطلاعات نهانی کنگره را برای اعضاء و کارمندان ممنوع کرده است. به طوری که نقض ممنوعیت مندرج در این قانون، مجازات دارد تا از آثار زیان‌بار این عمل جلوگیری کند.^۳

صرف نظر از بررسی چرایی عدم جرم انگاری این پدیده که باید در پژوهش‌های جرم شناسی به آن پرداخته شود. پرسش پژوهش حاضر این است که در فرضی که یکی از طرفین قرارداد با اتکاء بر رانت، توانسته پیش از طرف دیگر از اطلاعات آگاه و بر مبنای آن اقدام به معامله کند، چه سرنوشتی در انتظار معامله خواهد بود؟ آیا باید جانب صحت معامله را گرفت یا آنکه می‌توان در اعتبار آن تردید کرد؟ در صورت صحت معامله، تکلیف درآمدهای حاصله چیست؟ آیا اساساً دارنده اطلاعات رانتی متعهد به افشای اطلاعات به طرف قرارداد است؟ در صورت پاسخ مثبت، ضمانت اجرای نقض این تکلیف چیست؟ با توجه به خلاء قانونی و فقدان پژوهش در رابطه با وضعیت این معاملات و درآمدهای ناشی از آن، به نظر می‌رسد پرداختن به سرنوشت این قراردادها ضروری باشد. برای رسیدن به این منظور، ابتدا این معاملات را از منظر اقتصادی بررسی کرده و سپس وضعیت آنها از دیدگاه حقوقی ارزیابی می‌گردد.

۱- تحلیل اقتصادی

^۲- CFR 2635-703-use of nonpublic information, 2011

^۳ - The stop trading congressional knowledge (Stock) act 2012.

در تحلیل اقتصادی، موضوع مورد بحث از دو منظر کارایی اقتصادی و تولید هزینه، اتلاف منابع بررسی می‌گردد.

۱-۱- کارایی اقتصادی

به طور کلی در علم اقتصاد و مکتب تحلیل اقتصادی حقوق، سه معیار برای محاسبه کارایی اقتصادی وجود دارد: ۱- معیار به حداکثر رساندن ثروت^۵ ۲- معیار کارایی پارتو^۶ ۳- معیار کارایی کالدور-هیکس^۷.

منظور از معیار به حداکثر رساندن ثروت این است که یک معامله یا هر نوع تغییری در استفاده یا مالکیت منابع به شرطی مفید و سودمند است که ثروت اجتماعی را افزایش دهد. حقوق کارآمد نیز یکی از راه‌های افزایش ثروت اجتماعی است. پازنر اصل به حداکثر رساندن ثروت را یک اصل حقوقی می‌داند.^۹

به موجب معیار کارایی پارتو عمل اقتصادی وقتی کارآمد است که **دست کم** شرایط یک نفر بهتر از قبل شود بدون اینکه شرایط دیگری بدتر شود. به بیان دیگر، بر اساس این معیار، وضعیت طرفین بعد از معامله باید متعادل باشد. بر هم خوردن تعادل سبب ناکارآمد شدن رابطه حقوقی و تخصیص ناکارآمد منابع در جامعه خواهد شد.^{۱۰}

بر اساس معیار کالدور-هیکس، یک قرارداد زمانی کارایی اقتصادی دارد که وضعیت یک طرف به گونه‌ای بهتر شود که حتی پس از جبران خسارت طرف مقابل، وضعیت او همچنان در شرایط بهتری قرار داشته باشد. سود حاصل از این معامله حتی اگر موجب تضرر دیگری است، در نهایت رفاه جامعه را افزایش می‌دهد؛ به گونه‌ای که منتفع می‌تواند ضرر **زیان‌دیده را** جبران و وضعیت او را بهتر از قبل نماید.^{۱۱}

با بررسی وضعیت قراردادهای مبتنی بر رانت اطلاعاتی بر این اساس می‌توان به این نتیجه رسید که: این قراردادها، یقیناً ثروت اجتماعی را افزایش نمی‌دهند و بر خلاف معیار به حداکثر رساندن ثروت هستند؛ زیرا منابع از تولید و تخصیص بهینه به سوی عوامل ناکارآمد و غیر تولیدی حرکت می‌کنند و افرادی را که تمایل به کسب سود نامتعارف دارند، تشویق به استفاده از رانت می‌نماید^{۱۲} و گروه‌های جدید قدرت اجتماعی حاصل می‌شود که در این وضعیت، رفاه اجتماعی زایل خواهد

⁵ – Wealth maximation

⁶ – Pareto

⁷ – Kaldor-hicks

^۸ – انصاری، ۱۳۹۰: ۱۰۱

⁹ – Posner 1979:116

¹⁰ – Christopher ,2007:6

¹¹ – Ibid: 8

¹² – Rent seeking

شد و هزینه حفظ امنیت اقتصادی نیز، به عنوان یک هزینه اضافه بر جامعه تحمیل می‌شود. به علاوه، قراردادهای رانتهی بر خلاف معیار کارایی پارتو است، به این دلیل که شرایط رانت خوار را بهتر می‌کند و شرایط طرف معامله بدتر می‌شود. رانت خوار سهم بیشتری از کل رفاه جامعه را خواهد داشت و اشخاص دیگر از آن بخش محروم می‌شوند. پس نه تنها کارایی تخصیصی پارتویی در سطح روابط خصوصی وجود ندارد، بلکه توزیع رفاه نیز به شکل ناکارآمد صورت می‌گیرد و جامعه متضرر می‌شود. در نهایت، این قراردادها، کارایی کالدور- هیکس را هم تامین نمی‌کنند. زیرا بر فرض که دارنده اطلاعات، خسارت وارده به متضرر را جبران نماید، این مساله باعث بهتر شدن شرایط خود نمی‌گردد. چه آنکه، درآمد حاصله باید مسترد گردد. پس وضعیت او بهتر از قبل نمی‌شود و همان شرایط قبل از قرارداد را خواهد داشت.

ممکن است این تصور به وجود بیاید که معامله رانتهی اگر چه سه معیار کارایی فوق را تامین نمی‌کند، ولی به کارایی تخصیصی^{۱۳} منجر خواهد شد چرا که کالا از کسی که ارزش کمتری برای آن قائل بوده یعنی بایع، به کسی که ارزش بیشتری برای کالا قائل بوده یعنی خریدار منتقل شده است^{۱۴} اما این تصور نادرست را باید از ذهن زدود. قاعده کارایی تخصیصی بر این پیش فرض استوار است که طرفین در شرایط مساوی و با دسترسی کامل به اطلاعات، به انعقاد قرارداد مبادرت می‌نمایند. در حالیکه در معاملات رانتهی اصولاً یکی از متعاقدين در موقعیت برتر اطلاعاتی نسبت به طرف مقابل است و همین مساله تقارن وضعیتی آنها را به هم می‌ریزد. لذا این معامله به کارایی تخصیصی نیز منجر نخواهد شد.

۲-۱- تولید هزینه و اتلاف منابع

هر گونه تلاش در راستای استفاده از رانت از یک طرف مستلزم صرف منابع توسط افرادی است که به دنبال آن هستند، از طرف دیگر این فرآیند اغلب در بردارنده هزینه های اجتماعی (مستقیم و غیر مستقیم) نیز هست. آنچه اهمیت دارد، هزینه‌های اجتماعی رانت است که زیان های رفاهی و آثار منفی برای جامعه دارد.^{۱۵}

پیشینه ارزیابی هزینه های رانت به آرنولد هاربرگر برمی‌گردد. وی هزینه های اجتماعی انحصار طلبی را ارزیابی کرده است و معتقد است که انحصار ناشی از رانت، موجب انتقال رفاه از گروهی به گروه دیگر نمی‌شود. در نتیجه رفاه کل جامعه تغییر نمی‌کند. فقط از رفاه مردم کاسته می‌شود. همین هزینه انحصار (یا به دست آوردن یک موقعیت انحصاری) برای رانت خوار

¹³ – Allocative efficiency

¹⁴– Qi zhou ,2008: 262

¹⁵ – خضری، زمانی، ۱۳۸۳: ۶۱

که از آن تحت عنوان زیان رفاهی^{۱۶} یاد می‌شود، مهم ترین عامل در کاهش رفاه و متعاقبا افزایش هزینه های اجتماعی خواهد شد^{۱۷}.

اما تولاک استدلال می‌کند که انتقال رفاهی از افراد جامعه به استفاده کننده از رانت بدون هزینه نیست. وی معتقد است که انتقال ثروت از قربانی رانت به سوء استفاده کننده از آن صورت می‌گیرد و کل ثروت جامعه بدون تغییر می‌ماند. همین مساله رانت جو را تشویق به سرمایه گذاری منابع مالی اش در رانت می‌کند و طرف مقابل هم برای پیشگیری از آن، ناچار به صرف هزینه های احتیاطی می‌گردد. مجموع جامعه نیز باید هزینه هایی را صرف وضع قوانین علیه رانت و برقراری تشکیلات قضایی و اجرایی جهت اجرای این قوانین کند. بنابراین منابع جامعه به صورت غیر مولدی سرمایه‌گذاری می‌شود و از تولید ارزش افزا دور می‌گردد. همین امر به هزینه های اجتماعی دامن می‌زند.^{۱۸}

فیلیپ پالدا به زیان انتخاب نادرست اشاره می‌کند.^{۱۹} وی معتقد است که چنانچه افراد مختلف برای کسب امتیاز یا درآمد، هزینه بالایی را برای رانت جویی صرف کنند و در این میان یکی از آنها موفق به استفاده از رانت شود درحالی‌که رقیب کارآمدترش قادر به استفاده از رانت نیست، این مساله یک زیان اجتماعی بر کل جامعه تحمیل می‌کند که ناشی از پیشی گرفتن رقیب ناکارآمد بر رقیب کارآمد است. همین امر رقبا را تشویق به صرف منابع برای لابیگری می‌نماید تا به این وسیله بتوانند رانت جویان قابل‌تری باشند و عقب افتادگی خود را جبران کنند. این انتخاب نادرست برای فعالیت اقتصادی، منابع موجود را که باید در جهت کارایی بهینه در فعالیتهای تولیدی صرف شود، اتلاف کرده و یکی از دلایل عدم توسعه کشورها است.^{۲۰}

علاوه بر هزینه های مستقیم رانت جویی (هزینه انحصار، هزینه‌های احتیاطی، هزینه‌های تقنینی، قضایی و اجرایی، اتلاف منابع به سمت لابیگری) که اقتصاددانان به آنها اشاره کردند، وجود فرصت‌های رانت جویی در جامعه، هزینه‌های غیر مستقیم نیز ایجاد می‌کند. جایی که مقامات دولتی رانت جو وجود داشته باشد، ناخودآگاه قوانین و مقررات به گونه‌ای تنظیم خواهد شد که فرصت‌های رانت جویی را برای آنها فراهم آورد. قابلیت تحریف قوانین، هزینه‌های مبادله را به شدت

¹⁶ – Welfare loss

¹⁷ – Harberger. 1954: 71-87

¹⁸ – Tullack . 1967: 224

¹⁹ – Improper selection loss

²⁰– Palda . 2000: 291

افزایش خواهد داد و توجیه اقتصادی برای هیچ فعالیت مولد باقی نمی‌ماند.^{۲۱} همچنین استفاده از رانت و فرصت‌هایی که از این طریق برای افراد دارای موقعیت ایجاد می‌شود، توان خلاقیت و نوآوری سایر اشخاص را کاهش می‌دهد. نابرابری اجتماعی و اقتصادی به ایجاد تضاد در جامعه دامن می‌زند. در نتیجه تخصیص منابع در دسترس جامعه را به سوی فعالیت‌های غیر تولیدی منحرف خواهد کرد.

۲- تحلیل حقوقی

حال که در تحلیل اقتصادی معاملات رانتی، این مساله روشن شد که این معاملات نه تنها کارایی ندارند، بلکه هزینه زیادی را بر جامعه تحمیل کرده و باعث اتلاف منابع موجود می‌شوند، این پرسش مطرح است که آیا قواعد حقوقی نیز می‌تواند در این راستا به کمک قواعد اقتصادی شناخته و از انعقاد و اجرای این قبیل قراردادها جلوگیری کند؟ مقتضای اصل کلی، فرض بر صحت این معاملات است جز اینکه مخالف قانون، نظم عمومی و اخلاق حسنه تشخیص داده شوند. بر طبق قواعد عمومی قراردادها نیز نمی‌توان در صحت آنها تردید کرد. زیرا این معاملات تمامی شرایط صحت معامله مذکور در ماده ۱۹۰ ق.م.د را دارند و صرف استفاده از رانت اطلاعاتی موجبات بطلان آن را فراهم نمی‌کند و این موضوع امری خارج از ارکان قرارداد است.

ممکن است این پاسخ به ذهن متبادر شود که متضرر می‌تواند با استناد به خیار غبن، قرارداد را فسخ کند اما باید به این نکته توجه داشت که قابلیت استناد به خیار غبن، عدم تعادل فاحش قیمت در زمان انعقاد قرارداد است، در حالی که در معاملات رانتی، ارزش عوضین در زمان انعقاد قرارداد متعادل است و پس از انتشار اطلاعات، قیمت کالای مبادله‌ای تغییر می‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد شرایط تحقق خیار غبن در این مورد وجود ندارد. زیرا مبنای خیار غبن عدم آگاهی نسبت به قیمت بازار و بلد رایج است. در حالی که در رانت اطلاعاتی امروزی، فروشنده نسبت به قیمت بازار آگاه است. استناد به قاعده لاضرر نیز به عنوان قاعده‌ای عام در جایی نیکوست که هیچ قاعده و ابزار حقوقی دیگری در دفع ضرر و خسارات متضرر یافت نشود. بر این اساس ابتدا باید به دنبال راهکاری دیگر بود که به کمک آنها شاید بتوان ضمانت اجرایی جهت حمایت از شخص متضرر غیر مطلع یافت. در غیر این صورت قاعده لاضرر آخرین و تنها ملجا و تکیه گاه متضرر خواهد بود.

برای دستیابی به این منظور، ابتدا باید به این موضوع پرداخت که آیا دارنده اطلاعات رانتی اساساً تکلیفی به افشای اطلاعات به طرف قرارداد دارد؟

^{۲۱} - خضری، ۱۳۸۲: ۱۰۹

۱-۲- تعهد به افشای اطلاعات

تحلیل‌گران اقتصادی حقوق، معیارهایی جهت تبیین این موضوع که در قرارداد چه اطلاعاتی باید افشاء گردد را مطرح کرده‌اند. در واقع بحث بر سر این است که چگونه بین انگیزه افشای اطلاعات و عدم انگیزه برای کسب اطلاعات تعادل برقرار گردد. نحوه تأثیر قواعد حقوقی بر کارایی تخصیصی و انگیزه طرفین برای افشاء و تحقیق در مورد اطلاعات در مکتب تحلیل اقتصادی حقوق جایگاه خاصی دارد. چندین معیار در این مورد از سوی تحلیل‌گران اقتصادی حقوق مطرح شده است.

۱-۱-۲- اطلاعات اتفاقی و آگاهانه

کرونمن در مقاله خود، اطلاعات را به دو دسته تقسیم می‌کند. اطلاعات اتفاقی^{۲۲} و اطلاعات آگاهانه.^{۲۳} به عقیده او اگر شخصی اطلاعات را به طور اتفاقی کسب کند، قرارداد به دلیل اشتباه یک طرفه قابل فسخ است. مانند اینکه تاجر در حین صحبت، از مکالمه تلفنی شخصی متوجه می‌گردد که به زودی قیمت کالایی به دلیل تغییر مقررات، افزایش می‌یابد و بر اساس این اطلاعات اقدام به خرید آن کالا می‌کند. طبق این دیدگاه چون کسب اطلاعات آگاهانه با سرمایه گذاری نبوده است، وی ملزم به ارائه‌ی اطلاعات است. ولی در صورتی که طرف آگاه، اطلاعات را به طور ارادی و آگاهانه به دست آورده باشد. حتی در صورت وقوع اشتباه یکطرفه، قرارداد باید اجرا شود. به نظر او اطلاعات در صورتی اتفاقی هستند که برای کسب آن‌ها هزینه‌ای پرداخت نشده و بررسی دقیق نسبت به آن صورت نگرفته است. در حالی که در کسب اطلاعات آگاهانه سرمایه گذاری می‌شود.^{۲۴}

وی معتقد است این اصل می‌بایست در پرونده معروف^{۲۵} (Laidlaw v organ, 173) اعمال می‌شد. این پرونده به حدی تاثیرگذار بود که تقریباً حقوق قراردادها در ایالات متحده با آن وارد مباحث افشاء اطلاعات شد. در طول جنگ ۱۸۱۲ بین بریتانیا و ایالات متحده، بریتانیا نیروی دریایی نیوارلان را به مدت سه سال محاصره کرد، بطوری که میزان تجارت در داخل و خارج شهر محدود شد که همین امر قیمت کالاهایی چون تنباکو را به شدت پایین آورد. اورگن یک شرکت خریدار تنباکو، پس از دریافت اطلاعات خصوصی در مورد امضای معاهده صلحی به نام قنت^{۲۶} که پایان جنگ و الغای تحریمها را اعلام می‌کرد، به یکی از نمایندگی‌های شرکت لیدلا پیشنهاد خرید ۱۱۱ تن تنباکو می‌دهد. این نمایندگی نسبت به معاهده صلح آگاهی نداشته است. بین آنها قراردادی در قیمت پایین منعقد می‌گردد. روز بعد در نیوارلان اعلام عمومی می‌شود که صلح صورت گرفته است و قیمت تنباکو صعود می‌کند. بعد از صعود قیمت، لیدلا تنباکوها را تحویل نداد و اقامه دعوی کرد. در این پرونده نظر قاضی بسیار قابل توجه است. آیا این مساله که قیمت قرار است افزایش یابد، باید به طرف قرارداد گفته شود؟ به نظر او اورگن متعهد به دادن اطلاعات نبوده است و بر همین مبنا دعوی لیدلا را رد می‌کند که این رای در دیوان عالی

²² – Accidentally information

²³ – Deliberately information

²⁴ – Kronman, 1987:13

²⁵ – لیدلا، اورگن ۱۸۱۵

²⁶ – Ghent treaty

ایالات متحده نقض و برای رسیدگی مجدد به دادگاه بدوی اعاده می‌شود اما کاملاً مشخص نیست که در دادرسی مجدد چه اتفاقی افتاد.

کرونمن معتقد است، باید بررسی شود که آیا اورگن اطلاعات را به طور اتفاقی کسب کرده است یا آگاهانه. در صورت کسب اتفاقی اطلاعات، وی مکلف به ارائه اطلاعات به لیدلا بوده، و در غیر این صورت، تکلیفی نداشته است. این نتیجه بر پایه های اقتصادی قابل دفاع است؛ زیرا اورگن در پی بردن به این مساله وقت و منابع خاصی صرف نکرده است. همچنین پیوندی بین دانش و مدیریت هم صورت نگرفته که در تولید تنباکو سهمی داشته باشد. بنابراین اجرای قرارداد، کارایی اقتصادی را افزایش نمی‌دهد. کرونمن در این جا بحث تقلب و عدم افشاء در قرارداد را مطرح می‌نماید^{۲۷} و اظهار می‌دارد که قرارداد بین اورگن و لیدلا باید فسخ شود، چون واقعیت‌هایی که اورگن از آن‌ها آگاه بود، به صورت اتفاقی کسب کرده بود، نه از طریق سرمایه‌گذاری هدفمند.^{۲۸}

تحلیل کرونمن تاثیر به سزایی در تحلیل های اقتصادی گذاشت. با این حال این نظریه نیز دور از انتقاد نمانده است. زیرا علاقه او ناظر به این است که حقوق چگونه می‌تواند انگیزه تولید اطلاعات را ایجاد کند، ولی چگونگی تاثیر آن بر تخصیص منابع را نادیده گرفته است. از سوی دیگر تفکیک بین اطلاعاتی که به طور ارادی و اتفاقی به دست می‌آیند، دشوار است. پس اتفاقی یا ارادی بودن کسب اطلاعات مهم نیست. بلکه سطح مطلوب هزینه جستجو برای کشف اطلاعات قابل توجه است که با برابر سازی هزینه نهایی جستجو و سود نهایی به دست می‌آید^{۲۹}.

۲-۱-۲- اطلاعات اکتشافی و غیر اکتشافی

به عقیده برخی دیگر از تحلیل‌گران اقتصادی حقوق، اطلاعات دو دسته هستند. غیر اکتشافی^{۳۰} و اکتشافی^{۳۱}. اطلاعات غیر اکتشافی صرفاً از این جهت اهمیت دارند که برخی زودتر از آن آگاهی می‌یابند و این امر باعث افزایش ثروت آنها می‌گردد. در حالی که ثروت اجتماعی افزایش نمی‌یابد. در مقابل اطلاعات اکتشافی به آن دسته از اطلاعاتی گفته می‌شود که دستیابی

²⁷ – Misrepresentation

²⁸– kronman, Ibid: 10-11

²⁹– Qi zhou. 2009 : p 4

³⁰– information Foreknowledge

³¹ – information Discovery

به آنها نیاز به بررسی، تحقیق و اکتشاف دارد. این اطلاعات موجب افزایش منفعت شخص مطلع و اجتماع می‌گردد.^{۳۳} از دیدگاه این تحلیل‌گران دارنده اطلاعات غیر اکتشافی مکلف به افشای اطلاعات به طرف قرارداد است. بر این اساس قواعد حقوقی باید مانعی در ایجاد رغبت در کسب اطلاعاتی باشند که به لحاظ اجتماعی فاقد ارزش هستند و افراد را صرفاً تشویق به کسب اطلاعاتی کنند که ثروت اجتماعی را افزایش می‌دهند.^{۳۳}

۳-۱-۲- اطلاعات مولد و باز توزیعی

از دید رابرت کوتر و توماس یولن اطلاعات یا مولد^{۳۴} هستند یا باز توزیع کننده.^{۳۵} اطلاعات باز توزیعی فقط یک برتری معاملاتی برای شخص ایجاد می‌کند که می‌تواند برای توزیع مجدد ثروت به نفع طرف مطلع استفاده شود. مثلاً دانستن این که دولت در چه مکانی بزرگراه احداث خواهد کرد یا دریافت اطلاعات خصوصی در مورد پایان جنگ، قبل از هر فرد دیگری، برتری قدرتمند معاملاتی در بازار برای فرد ایجاد کرده است. این نوع سرمایه‌گذاری در اطلاعات باز توزیعی به طور مستقیم یا غیر مستقیم باعث ائتلاف منابع می‌گردد دولت نباید برای یافتن این قبیل اطلاعات انگیزه ایجاد کند، بلکه باید از سرمایه‌گذاری در یافتن اطلاعات رانتی جلوگیری نماید. چنین افشاهایی قبل از عمومی شدن، بازار را تشویق به صرف منابع برای به دست آوردن اطلاعات محرمانه از مقامات می‌کند.^{۳۶} به عقیده آنها، معاملات مبتنی بر اطلاعات باز توزیعی که نتیجه یک سرمایه‌گذاری فعال نیستند، قابلیت اجرا ندارد. آنها، حتی سرمایه‌گذاری برای استراق سمع در کسب اطلاعات یا ارتباط شخصی با افراد قدرتمند را به منظور پی بردن به مسیر بزرگراه اصلی پیش از هر کس دیگر نیز جزء سرمایه‌گذاری های غیرمولد می‌دانند که فاقد کارایی اقتصادی هستند و قابلیت اجرا ندارند. در مقابل اطلاعات مولد می‌توانند برای تولید ثروت بیشتر استفاده شوند و منابع موجود را به سمت استفاده‌های مولدتری به حرکت درآورد. مثلاً در جایی که خریدار در خصوص زمین کشاورزی با استفاده از دانش و تخصص به این موضوع پی می‌برد که این زمین در بردارنده منابع معدنی ارزشمندی است و برای این موضوع وقت و منابعی صرف می‌نماید یا در جایی که شخصی درصد سرمایه‌گذاری در یک منطقه نفتی برای اکتشاف و توسعه میدان نفتی است (حیازت مباحث) منابع مالی خود را هزینه کرده و در اختیار متخصصین فنی

۳۳ - خودکار، رحمتی، ۱۳۹۹: ۱۰۷

۳۳ - (Miceli, 2004:118) - (Shavell, 1994:20).

۳۴ - Productive information

۳۵ - Redistributive information

۳۶ - دادگر، ۱۴۰۱: ۳۷۸

(شرکت‌های متخصص نفتی جهت اکتشاف میدان) قرار می‌دهد تا اطلاعات کاملی از آن میدان تحصیل شود، در واقع منابع مالی خود را صرف تولید اطلاعات کرده است. کارایی اقتصادی ایجاد می‌کند که برای دادن انگیزه های قوی در افراد، این نوع اطلاعات مورد حمایت قرار گیرند تا اطلاعات مولد کشف شوند.^{۳۷}

در پرونده (Sec v Texas Gulf sulphur 1963) خواهان مالک تعداد زیادی زمین بود. خواننده هم یک شرکت تحقیقاتی بود که با صرف هزینه و زمان به بررسی زمین‌های آن منطقه پرداخته و به این نتیجه رسید که احتمالاً یک معدن با ارزش در آن منطقه وجود دارد. به این منظور بخشی از زمین‌های خواهان را با مبلغ ۱۸۰۰۰ دلار خرید. بعد از انعقاد قرارداد، مشخص شد که معدن نقره، مس و زینک در آن منطقه هست و قیمت زمین در حدود یک میلیون دلار است. مالک زمین اقامه دعوی مبنی بر فسخ قرارداد با استناد به تئوری الزام به افشاء مطرح کرد. با این حال قاضی مارشال^{۳۸} رای بر عدم الزام خواننده به افشاء اطلاعات داد.^{۳۹}

سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا طرفین دعوی ملزم به افشاء اطلاعاتی که خودآگاهانه به دست آورده‌اند، هستند یا خیر؟ مخصوصاً اطلاعاتی که برای کسب آنها سرمایه گذاری کرده‌اند. بنابراین دیدگاه، پاسخ به طور قاطعانه خیر است. اگر در این موارد، تعهد به ارائه‌ی اطلاعات را الزامی بدانیم همه‌ی ارزش افزوده‌ای که با تلاش خریدار به دست آمده است به طور مجانی به فروشنده تعلق خواهد گرفت. بنابراین قواعد حقوقی به منظور حمایت از کسب اطلاعات آگاهانه، عدم الزام به افشاء را در این موارد حاکم نماید.^{۴۰} این معیار، بر حق منتفع شدن اشخاص از مالکیت اطلاعات تاکید می‌کند. هم‌چنین باعث جلوگیری از سوء استفاده‌ی افراد برای کسب رایگان اطلاعاتی که دیگران با صرف هزینه و وقت، آنها را کسب کرده‌اند، می‌گردد.^{۴۱}

متعاقب این دیدگاه، یانگ زو^{۴۲} در مقاله خود، ضمن تایید نظرات کوتر و یولن مبنی بر طبقه بندی اطلاعات به مولد و باز توزیعی، به این نکته اشاره می‌کند که دارنده اطلاعات مولد الزامی به افشای اطلاعات ندارد و این مساله را در جهت تقویت و به رسمیت شناختن مالکیت فکری می‌داند. به عقیده او افشای اطلاعات مولد باعث استفاده سایر افراد از اطلاعات ارزشمند

³⁷ - R cooter and T ulen,2004:281-282

³⁸ - Chief-Justic Marshal

³⁹ - Kathryn Zwiler, 2005: 1700

⁴⁰ - Hugh Beal, 2012: 91

⁴¹ - Michael j Borden, 2008, 686

⁴² - Yong zhu

با کمترین هزینه می‌گردد. این امر سطح سرمایه‌گذاری جامعه برای تولید اطلاعات مفید را کاهش می‌دهد. در حالیکه دارنده اطلاعات باز توزیعی باید آنها را افشاء نماید. اطلاع از برنامه ریزی توسعه شهری قبل از اعلام عمومی، نه در جهت ارتقای کاربری اراضی و نه برای ایجاد کاربری جدید استفاده نمی‌شود، بلکه صرفاً سوء استفاده از اطلاعات و تهدیدی برای سیستم حقوق مالکیت اجتماعی موجود است. وی معتقد است که مطابق فرض اولیه حقوق قراردادها همه اطلاعات ماهیت تولیدی دارند مگر اینکه ماهیت باز توزیعی آنها ثابت شود. در غیر این صورت، به استحکام و ثبات قراردادها لطمه وارد می‌گردد و با فلسفه حقوق قراردادها منافات دارد.^{۴۳}

۴-۱-۲- اطلاعات سطحی و عمیق

بر اساس دیدگاه اسچپل^{۴۴} اطلاعات سطحی^{۴۵} و عمیق^{۴۶} متمایز هستند. وقتی اطلاعات سطحی هستند که طرف قرارداد احتمال وجود اطلاعات را می‌دهد ولی در اطلاعات عمیق یا غیر سطحی شخص هرگز تصور وجود اطلاعات را نمی‌دهد و کاملاً بی‌خبر است. در اطلاعات غیر سطحی اگر دارنده اطلاعات با دسترسی نامتوازن^{۴۷} آنها را کسب کرده است، ملزم به افشاء است و نمی‌تواند سکوت کند. به طور مثال؛ اگر الف که فروشنده است، بداند زمینش به زودی در طرح اتوبان قرار خواهد گرفت و فقط بایع از آن مطلع است، مکلف به دادن اطلاعات به خریدار است اما اگر کسب اطلاعات منحصر به الف نبوده و خریدار هم می‌توانسته از این اطلاعات باخبر شود^{۴۸} ملزم به ارائه اطلاعات نیست^{۴۹}.

در پرونده استرانگ علیه ریپید^{۵۰} خواننده، سهامدار اصلی شرکت با مسئولیت محدودی بوده است. او طی مذاکراتی که با دولت، پشت درهای بسته داشت، متوجه شد که دولت تمایل دارد زمین‌های آنها را با قیمت بالایی خریداری کند. بنابراین فردی را با نام مستعار استخدام کرد که هشتصد سهام خواهان را تنها با قیمت ۱۶۰۰۰ دلار بخرد. سپس قیمت سهام به ۷۶۲۵۶ دلار رسید. خواهان اقامه دعوی کرد و معامله فسخ شد. در این پرونده، طبق دیدگاه اسچپل با توجه به اینکه اطلاعات غیر

⁴³ - Yong zhu, 2014:5-6

⁴⁴ - Schepple

⁴⁵ - Shallow secret

⁴⁶ - Deep secret

⁴⁷ - Unequal access

⁴⁸ - Equal access

⁴⁹ - Richard Craswell, 2006, 571

⁵⁰ - Strong v Repide, 1909

سطحی بود و با دسترسی نامتوازن کسب شده بود، خواننده موظف به افشای اطلاعات بود چرا که امکان دسترسی به اطلاعات برای خواهان نبوده است.^{۵۱}

۵-۱-۲- اطلاعات یکجانبه و دو جانبه

یکی دیگر از معیارهایی که در این زمینه مطرح شده است، معیار اطلاعات یکجانبه^{۵۲} و اطلاعات دو جانبه^{۵۳} است. در مدل دو جانبه هر دو طرف قرارداد بر اطلاعاتی که روی قیمت مال اثر می‌گذارد، سرمایه‌گذاری می‌کنند. در حالی که در اطلاعات یکجانبه فقط یک طرف سرمایه‌گذاری انجام می‌دهد. بر طبق این معیار، در حالتی که دو طرف قرارداد برای ارتقای اضافه ارزش کالا برای کسب اطلاعات سرمایه‌گذاری کرده‌اند، خریدار ملزم به ارائه اطلاعات است. البته اطلاعاتی که درباره استفاده بهتر از کالا باشد و ماهیت و نحوه‌ی استفاده از کالا را لازم نیست افشاء کند. این معیار در نزد حقوق دانان به « برای عاقلان اشارتی کافی است »^{۵۴} شهرت یافته است. در اطلاعات یکجانبه الزامی به افشای اطلاعات نیست.^{۵۵}

با بررسی معیارهای مرتبط با افشای اطلاعات، این نتیجه حاصل شد که اطلاعات اتفاقی، غیر اکتشافی، باز توزیعی و غیر سطحی باید به طرف معامله ارائه شوند.

حال سوال این است که اطلاعات رانتی در قلمرو کدام یک از معیارها قرار می‌گیرد؟ قبل از پاسخ به این سوال، ذکر این مطلب ضروری است که دیدگاه مبتنی بر طبقه بندی اطلاعات به مولد و بازتوزیعی نسبت به سایر نظرات با موازین اقتصادی سازگارتر است. زیرا اولاً، این دیدگاه بر خلاف دیدگاه کرونمن، معیار دقیقی از اطلاعات رانتی ارائه می‌کند و مبنای تمیز آن را صرفاً اتفاقی یا آگاهانه بودن کسب اطلاعات نمی‌داند ثانیاً، الزام به افشای اطلاعات از سوی دارنده اطلاعات غیر مولد، نه تنها می‌تواند پایه‌های بهبود بهره‌وری از منابع را تحکیم نماید، بلکه منجر به انتقال صحیح ثروت شده و از سوء استفاده های ناروا از اطلاعات مهم اقتصادی ممانعت به عمل می‌آورد. با توجه به بررسی این معیار، به نظر می‌رسد اطلاعات رانتی همان اطلاعات بازتوزیعی است، زیرا صرفاً موجب انتقال ثروت از شخصی به شخص دیگر می‌گردد بدون اینکه در جهت تولید و سرمایه‌گذاری هدفمند مورد استفاده قرار گیرد. اما اشکال این است که اطلاعات مولد از بازتوزیعی به آسانی قابل

⁵¹ - Marc Ramsey, 2006, 119

⁵² - One sided Information Input

⁵³ - Two sided Information Input

⁵⁴ - Word to the wise

⁵⁵ - Michael j Boeden, Ibid, 682

تشخیص نیست. زیرا اکثر اطلاعات هم مولد هستند و هم بازتوزیعی که به آنها اطلاعات ترکیبی گفته می‌شود^{۵۶}. بر همین مبنا تشخیص اینکه آیا این اطلاعات، رانتی است یا خیر، نیز دشوار است. به نظر می‌رسد، اولاً؛ از آنجایی که در قراردادها، غالباً مطلع بخش اعظمی از اطلاعات را از طریق کشف و تولید اطلاعات و سرمایه‌گذاری کسب می‌نماید و ثانیاً مطابق آنچه پیشتر آمد، در فرض اولیه حقوق قراردادها همه اطلاعات ماهیت تولیدی دارند مگر اینکه ماهیت بازتوزیعی آنها ثابت شود. در غیر این صورت، به استحکام و ثبات قراردادها لطمه وارد می‌گردد و با فلسفه حقوق قراردادها منافات دارد. در هنگام شک بر اینکه اطلاعات رانتی است یا خیر، باید بر اساس اصل عدم، فرض را بر این نهاد که اطلاعات مولد هستند. پس، در اطلاعات ترکیبی نیز به دلیل اهمیت اطلاعات مولد، ضرورتی برای افشاء اطلاعات نیست و بر همین اساس، این قراردادها قابل فسخ نیستند.

پس سه فرض در این رابطه قابل تصور است:

۱- اجرای قراردادهای مبتنی بر اطلاعات مولد، به ویژه اگر این اطلاعات با سرمایه‌گذاری حاصل شده باشد.

۲- اجرای قراردادهای مبتنی بر اطلاعات ترکیبی (مولد و رانتی)

۳- فسخ قراردادهای مبتنی بر اطلاعات کاملاً رانتی (بازتوزیعی)

بنابر آنچه گذشت؛ دارنده اطلاعات رانتی طبق دیدگاه تحلیل‌گران اقتصادی حقوق، موظف به ارائه اطلاعات به طرف قرارداد می‌باشد و در صورت نقض این تعهد، قرارداد قابل فسخ است که در ذیل بررسی می‌گردد.

۲-۲- آثار نقض تعهد به افشای اطلاعات

همان‌طور که پیشتر آمد، یکی از آثار این نقض تعهد، قابلیت فسخ قرارداد است اما اینکه مبنای این حق فسخ، چیست و آیا متضرر غیر از فسخ قرارداد، از ضمانت اجرای دیگری نیز برخوردار است؟

۱-۲-۲- فسخ قرارداد

به نظر می‌رسد، مبنای فسخ در این قراردادها، شرط ضمنی ارائه اطلاعات و تدلیس دارنده اطلاعات رانتی است.

۲-۲-۱-۲- شرط ضمنی

^{۵۶} دادگر، ۱۴۰۱: ۳۷۹

برخی حقوق دانان مبنای افشای اطلاعات در دوره پیش قراردادی را توافق ضمنی دو طرف دانسته‌اند. این اراده به « توافق بنیای ضمنی » تعبیر می‌شود و به این معناست که طرفین با یک اراده ضمنی، قصد تبادل اطلاعات مهم را دارند.^{۵۷} مهم‌ترین نقدی که به این نظریه وارد شده، این است که قرار دادن یک شرط ضمنی شبیه یک بهانه و دستاویز برای ایجاد تعهد به افشاء است. چرا که در واقع، چنین شرطی در قصد مشترک طرفین وجود ندارد و آنها دنبال کسب سود هستند.^{۵۸} بر فرض پذیرش این مبنای، ذکر این نکته ضروری است که شرط ضمنی بر تبادل اطلاعات به منظور رعایت ارزش اقتصادی برابر دو عوض در زمان انعقاد معامله است. در حالی که در معاملات رانتی، ارزش اقتصادی عوضین در زمان معامله مساوی است و انتشار اطلاعات، ارزش کالای مبادله‌ای را به طور محسوس تغییر می‌دهد. بنابراین، استناد به توافق بنیای ضمنی به عنوان مبنای وظیفه افشاء و فسخ این قراردادها، قانع کننده نیست.

۲-۲-۲-۲- تدلیس

طبق ماده ۴۳۸ ق.م. « تدلیس عبارت است از عملیاتی که موجب فریب طرف معامله شود » اگر به ظاهر ماده ۴۳۸ اتکاء شود، دارنده اطلاعات رانتی را نمی‌توان مرتکب تدلیس دانست. زیرا او فعل مثبتی برای اغوای طرف قرارداد انجام نمی‌دهد. بلکه از افشای اطلاعاتی امتناع می‌ورزد که طرف مقابل از آن ناآگاه است. آیا می‌توان به صرف اتکاء به ظاهر ماده، این عمل را تدلیس ندانست؟ در این جا با یک بحث حقوقی جدی مواجه هستیم که آیا تدلیس صرفاً اطلاع رسانی نادرست و متقلبانه است یا عدم اطلاع رسانی و سکوت در ارائه اطلاعات را هم می‌توان در قلمرو تدلیس بشمار آورد؟

امروزه سکوت مثبتی بر تدلیس در نظام حقوقی کشورها پذیرفته شده است. با این وجود به نظر می‌رسد که مبنای آن بین عدم اجرای تعهد اطلاعاتی و عدم انجام حسن نیت قراردادی در نوسان است. ، دکترین « آگاه باش خریدار »^{۵۹} به عنوان یک قاعده بنیادین در کامن لا زمانی اعمال می‌گردد که تدلیسی صورت نگرفته باشد. در واقع در این نظام حقوقی با اینکه الزامی به افشای اطلاعات، غیر از موارد خاص، نیست اما سکوتی که دلالت ضمنی بر هدف و منظور خاصی داشته و در مجموع تصور غلطی را در طرف قرارداد ایجاد نماید « پنهان کاری »^{۶۰} نامیده می‌شود که از موجبات تدلیس است. امروزه در حقوق انگلیس، تدلیس و تقلب می‌تواند ناشی از ترک فعل و کوتاهی در افشای حقیقت باشد. از این وضعیت به عنوان « عدم

⁵⁷ - Edward Bayler, 2009, 42

⁵⁸ - Ibid

⁵⁹ - Covet Empton

⁶⁰ - Concealment

^{۶۱} - قاسمی حامد، طالب احمدی، ۱۳۹۰، ۱۶۴

افشای متقلبانه»^{۶۲} یاد می‌شود.^{۶۳} برخی از نویسندگان کامن لا با توجه به انصاف و معامله منصفانه، معتقد به متعهد بودن طرفین قرارداد به افشاء اطلاعات هستند و در صورت عدم افشاء ضمانت اجرای تدلیس را به عنوان یک اصل قبول می‌کنند.^{۶۴}

رویه قضایی فرانسه نیز تا مدت‌ها بر این عقیده بود که سکوت برای تحقق تدلیس کافی نیست. چرا که تدلیس تنها از طریق فعل مثبت صورت می‌پذیرد.^{۶۵} از اوایل قرن بیستم در رویه قضایی فرانسه، تحقق تدلیس از طریق پنهان کاری پذیرفته شده است.^{۶۶} به طوری که قبل از اصلاحات ق.م عدم ارائه اطلاعات با عنوان عدم افشای متقلبانه به عنوان یکی از مصادیق تدلیس پذیرفته شد و تردیدی نیست که ساکت ماندن و خودداری از رفع درک نادرست طرف مقابل تدلیس محسوب می‌شود.^{۶۷} شعبه سوم مدنی دیوان عالی کشور فرانسه در سال ۱۹۷۱ در رأی اعلام کرد که: «تدلیس ممکن است ناشی از سکوت یکی از طرفین باشد که حقیقتی را از طرف دیگر پنهان می‌کند، رخ دهد به گونه ای که اگر او آن را می‌دانست حاضر به انعقاد قرارداد نمی‌شد»^{۶۸}.

در رویه قضایی ایران نیز می‌توان آرای در همین راستا دید. برای نمونه در دادنامه صادره از سوی شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور به تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۸ آمده است: «عملیات منجر به فریب در معامله در تعریف تدلیس ماده ۴۳۸ ق.م. محدود به امور مثبت نیست، موضوعات منفی چون سکوت آگاهانه و به عمد از وجود وضعیتی در مورد معامله که در صورت آگاهی طرف معامله به انجام آن رضایت نخواهد داد، داخل در تعریف فوق است...»^{۶۹}.

نکته قابل توجه در آرای فوق، اشاره به این مسأله است که سکوت زمانی تدلیس محسوب می‌شود که در مورد موضوعی باشد که اگر طرف مقابل آن را می‌دانست حاضر به انعقاد قرارداد نمی‌شد. لذا افشای اطلاعات در جایی که طرف قرارداد به طور متعارف قادر به کشف آن نیست، الزامی است. با این تفاسیر به راحتی می‌توان پذیرفت که سکوت متقلبانه از ابراز

⁶²- Fraudulent non- Disclosure

⁶³ - Stanzler, Jordan S.2009: 6

⁶⁴- John adams & Roger brown, 1994.134

^{۶۵} - لطفی، ۱۴۰۰، ۵۲

⁶⁶- whittaker, s, 2005:45

⁶⁷- Hondis, E.H, 2004, 192

^{۶۸} -انصاری، همان، ص ۳۹۰

^{۶۹} - میرشکاری، ۱۴۰۰، ۲۲۹

اطلاعات به طرف مقابل، تدلیس است. بنابراین شخص جاهل که دسترسی به اطلاعات نداشته، می‌تواند به استناد خیار تدلیس، قرارداد را فسخ نماید.

۲-۲-۲- استرداد اموال

از جمله آثار عدم ارائه اطلاعات از ناحیه دارنده اطلاعات رانتی را می‌توان استرداد اموالی دانست که به طور ناعادلانه و نامشروع کسب شده است. برای تبیین این اثر حقوقی، بحث حاضر بر مبنای قاعده دارا شدن ناعادلانه تحلیل می‌گردد. این مفهوم در نظام‌های حقوقی تحت عناوین متفاوت آمده است. در نظام حقوقی کامن لا تحت عنوان استرداد^{۷۰} و داراشدن ناعادلانه^{۷۱} آورده شده است. در نظام حقوقی رومی- ژرمنی تحت عنوان شبه قرارداد^{۷۲} آمده است^{۷۳}. این مفاهیم تا حدی متفاوت هستند اما در غالب نظام‌ها یک اصل عمومی است که دارای یک منطق مشترک است که هیچ کس حق ندارد بدون سبب قانونی از مال یا کار دیگری بهره‌برد^{۷۴}.

قانونگذار ایران در مواد ۳۰۱ الی ۳۰۵ و ۳۳۶، ۳۳۷ ق.م و م ۳۱۹ ق.ت، قاعده دارا شدن ناعادلانه را پذیرفته و در قوانین دیگری بر این قاعده تاکید نموده است. به موجب اصل ۴۷ ق. اساسی « مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد، محترم است و ضوابط آن را قانون معین می‌کند » و همچنین برابر اصل ۴۹ ق. اساسی « دولت موظف است ثروتهای ... غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق، رد کند ...»

معادل فقهی قاعده داراشدن بلاجهت « اکل مال به باطل » است. بر اساس آیه ۲۹ از سوره نساء، « یا ایها الذین آمنوا لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجاره عن تراض منکم...» ای کسانی که ایمان آورده اید اموال همدیگر را به باطل مخورید مگر آنکه داد و ستدی با تراضی بین شما باشد. با صراحت اکل مال به باطل نهی و از آن مذمت شده است. فقیهان در تفسیر مفهوم باطل اختلاف نظر دارند: برخی بر این باورند که منظور از « بالباطل » در آیه شریفه این است که بدل و عوضی در مقابل آن نباشد، یعنی بدون عوض در اموال دیگران تصرف نکنید^{۷۵} اما برخی دیگر بر این باورند که بآء در

⁷⁰ - Restitution

⁷¹ - Unjust enrichment

⁷² - Quasi- contract

^{۷۳} - کسنوی، ۱۳۹۶، ۱۱۴

^{۷۴} - عامری و نوایی، ۱۳۸۸، ۹۶

^{۷۵} - حسینی عاملی، ۱۴۱۹: ۳۲۹، میرزای شیرازی، ۱۴۱۲: ۴۹

بالباطل، بآء سببیت است یعنی با اسباب باطل در اموال دیگران تصرف نکنید. بسیاری از فقهای معاصر همین دیدگاه را دارند.^{۷۶} این برداشت از آیه با دو استدلال همراه است: نخست اینکه وجود استثناء در ادامه آیه «الا ان تکون تجاره عن تراض» نشان از این است که صحت تملیک و تملک موکول به سبب (تجاره عن تراض) است، به این معنا که اگر تملکی با سبب تجاره عن تراض صورت گیرد، صحیح و الا باطل است.^{۷۷} به علاوه، با توجه به تفاسیری که از سوی فقها صورت گرفته، مشخص است که منظور از باطل از دیدگاه فقها همان اسباب تملک است مانند ربا، رشوه، قمار و...، ذکر این موارد صرفاً از جهت تمثیل است و منظور از باطل در آیه، اسباب باطل یعنی هر آن چیزی است که موجب بطلان تملیک و تملک شود.^{۷۸}

همچنین، توجه به این نکته لازم است که مرجع تشخیص باطل، بر خلاف آنچه که برخی فقها گفته‌اند^{۷۹} عرف است نه شرع، چرا که اگر منظور از باطل، باطل شرعی باشد، بر آیه شریفه فایده‌ای مترتب نخواهد بود؛ زیرا برای فهم باطل واقعی، چاره‌ای جز بیان مصادیق آن از سوی شارع نیست که در این صورت، نیازی به این آیه نبود.^{۸۰} در راستای همین نظر، برخی بر این باورند که اگر منظور از باطل، باطل شرعی باشد در هنگام شک در بطلان امری، نمی‌توان به آیه استناد کرد؛ زیرا تمسک به آن، تمسک به عام در شبهه مصداقیه است که علی القاعده باطل می‌باشد.^{۸۱}

بر این اساس، باید باطل را مفهومی عرفی تلقی کرد و برای فهم بهتر آن و اینکه چه چیزی باطل است، به عرف مراجعه کرد؛ زیرا مفهوم باطل با توجه به زمان و مکان متفاوت است. ممکن است شرایط عرفی امروز، چیزی را باطل بداند که در ادوار گذشته مصداق عینی و خارجی نداشته و پدیده‌ای نوین و حاصل تغییر و تحولات جوامع باشد. با توجه به این معیار، به نظر می‌رسد، رانت اطلاعاتی نیز بتواند مصداق سبب باطل باشد؛ زیرا، رانت اطلاعاتی موجب کسب درآمد غیر مولد است که غالباً در اختیار مقامات و منسوبان آنها قرار دارد. این امر باعث سوء استفاده از فرصت‌ها شده و دیگران را از حقشان محروم

^{۷۶} - موسوی خمینی، ۱۴۱۵: ۲۷، هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳: ۲۸۱

^{۷۷} - موسوی خمینی، ۱۴۱۵: ۲۸۱ - موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۱۹

^{۷۸} - شیخ الاسلامی، ۱۳۹۷: ۱۲

^{۷۹} - شیخ الشریعه اصفهانی، ۱۳۹۸: ۴۳، مامقانی، ۱۳۱۶: ۳۶۱

^{۸۰} - مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۷۹

^{۸۱} - موسوی خمینی، ۱۴۲۱: ۱۷۳

می‌سازد. قطعاً عرف، این نوع رانت را باطل می‌داند که مورد نهی شارع قرار گرفته است. شاید به همین دلیل است که برخی حقوق‌دانان کسب درآمد از غیر راه تولیدی را مشروع نمی‌دانند.^{۸۲}

حال که پذیرفتیم معامله رانتی، معامله ای مبتنی بر سبب باطل و مصداق اکل مال به باطل است، آسان تر می‌توان استرداد اموال را نتیجه گرفت؛ چرا که بر خلاف نظر برخی از فقها که نهی در معاملات را دال بر فساد ندانسته و صرفاً نهی در عبادات را موجب فساد می‌دانند.^{۸۳} نظر مشهور بر این است که اگر نهی به اثر عقد تعلق گیرد، دلالت بر فساد دارد.^{۸۴} موضوع مورد بحث نیز از این قسم است؛ زیرا نهی در آیه شریفه متوجه اثر عقد یعنی تملک است که دلالت بر بطلان نقل و انتقال دارد. به علاوه، در این موارد هدف شارع از نهی، جلوگیری از انعقاد معامله و منع تحقق اثر اصلی عقد در عالم خارج است. معنای این نهی، بطلان بوده و به نوعی مخالفت با نتیجه و وقوع معامله است.^{۸۵} در نتیجه به شخصی که قصد تملک مال غیر را با سبب باطل دارد، منتقل نمی‌شود اما سوال این است که منظور از فساد در موضوع مورد بحث، بطلان معامله رانتی است یا صرفاً به منزله بطلان مالکیت **درآمدهای** حاصله از رانت است؟ اهمیت مساله آنجاست که در صورت بطلان اصل معامله، ضمانت اجرای آن، بطلان تملیک و تملک عوضین و در نتیجه استرداد آنها به مالکان قبلی است. در **حالی که** در فرض بطلان تملیک درآمد، تملیک و تملک عوضین صحیح است و رانت خوار ملزم به استرداد درآمدهایی است که مازاد بر قیمت متعادل بازار کسب کرده است. با توجه به تحلیل قاعده و از **آن جایی که** قرارداد رانتی با تراضی و رضایت طرفین منعقد شده است و با استناد به «تجاره عن تراض» به نظر می‌رسد، منظور از بطلان در این مورد، بطلان تملک مالی است که با سبب باطل (رانت) کسب شده و این به معنای بطلان اصل معامله نیست. پس، بر خلاف دیدگاهی که معتقدند، چون افزایش قیمت و کسب درآمد، در زمان انعقاد معامله اتفاق نیفتاده است و اقدام این شخص موجب تضییع حقوق دیگری نشده است، لذا عرف درآمد حاصل از معامله را حق شخص می‌داند و بر این مبنا حکم به صحت درآمدهای حاصل از چنین معامله‌ای داده‌اند.^{۸۶} **می‌توان** گفت، همانطور که پیشتر آمد، عرف قطعاً این نوع کسب درآمد را باطل می‌داند و حکم به استرداد درآمد حاصله به مالک، ضمانت اجرای آن است.

^{۸۲} - طاهری، ۱۳۹۷:۲۸۱

^{۸۳} - موسوی خوئی، ۱۴۱۰: ۳۰

^{۸۴} - عراقی، ۱۴۱۴: ۳۹۲، حائری یزدی، بی تا، ۱۸۹

^{۸۵} - حسینی مقدم، ایزدی فرد، ۱۳۹۹: ۱۲

^{۸۶} - شیخ الاسلامی، همان، ۱۹

صرف نظر از پاسخ فوق، جای این پرسش هست که آیا می‌توان با توجه به قاعده دارا شدن بلاجهت در نظام حقوقی کنونی نیز به همین نتیجه دست یافت. توضیح آنکه در نظام حقوقی ما قاعده دارا شدن بلاجهت دارای شرایط مادی و حقوقی است. شرایط مادی عبارتند از: ۱- افزایش دارایی یک طرف ۲- کاهش دارایی طرف دیگر ۳- رابطه سببیت بین افزایش و کاهش و شرایط حقوقی آن ۱- فقدان سبب ۲- فرعی بودن دعوی است.^{۸۷} این شرایط در نظام حقوقی فرانسه نیز آمده است. با این تفاوت که در آنجا یک شرط مازاد هم برای قاعده در نظر گرفته شده است و آن، اینکه دارا شدن به سبب منفعت شخصی نباشد.^{۸۸} معاملات رانتی، شرایط مادی قاعده را دارند؛ زیرا افزایش دارایی یکی موجب کاهش دارایی دیگری است. نکته قابل تامل در وجود یا فقدان شرایط حقوقی است. فقدان سبب دعوی استرداد را موجه می‌سازد. در مباح بودن ثروتی که از راه‌های متعارف و مشروع به دست می‌آید تردیدی نیست. پس اصطلاح سبب، به معنی منبع و مستند دارا شدن است و این سبب در صورتی مشروع است که بتوان یا آن را ناشی از عمل حقوقی (تراخی) یا اجرای یکی از قواعد حقوقی دانست.^{۸۹} نکته قابل توجه در ماده ۲۰ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد معروف به کنوانسیون مریدا^{۹۰} که کشور ما نیز در سال ۱۳۸۷ به آن ملحق شده است، استفاده از اصطلاح دارا شدن من غیر حق^{۹۱} است که مبنای حقوقی آن تحصیل مال نامشروع و بدون مجوز قانونی ثروت است. مطابق مواد ۱۹ و ۲۰ کنوانسیون، سوء استفاده مقام دولتی به منظور کسب امتیاز و دارا شدن من غیر حق، یعنی افزایش چشمگیر دارایی‌هایی که مقام دولتی به صورت معقول نمی‌تواند در ارتباط با درآمد قانونی خود کسب کند جرم کیفری تلقی شده است. ضمانت اجرای این عمل به موجب مواد ۳۴ و ۳۵ کنوانسیون لغو یا فسخ قرارداد و هر عمل جبرانی دیگر مانند حق مطالبه خسارت در نظر گرفته شده است. به نظر می‌رسد معاملات رانتی مقامات دولتی می‌تواند از مصادیق کنوانسیون باشد.

حال سوال این است که، با توجه به اینکه در معامله رانتی، قرارداد وجود دارد آیا می‌توان همچنان به قاعده دارا شدن بلا جهت استناد کرد؟ منشا سوال آنجاست که چون یکی از شرایط حقوقی قاعده دارا شدن بلاجهت فقدان سبب است، برخی حقوقدانان معتقدند که با وجود قرارداد، این قاعده قابلیت استناد ندارد و همین که دارا شدن ناشی از قرارداد باشد، نباید آن را

^{۸۷} - کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۵۶۷

^{۸۸} - صفایی، رحیمی، ۱۴۰۰: ۵۱

^{۸۹} - کاتوزیان، همان: ۵۷۷

^{۹۰} - merida

^{۹۱} - Illicit enrichment

« بدون سبب » شمرد^{۹۲}. مطابق دیدگاهی دیگر نیز دارا شدن غیر عادلانه با قرارداد قابل جمع نیست. مدعی در صورتی می‌تواند به آن استناد کند و آن را مبنای دعوای خود قرار دهد که مبنای دیگری برای دعوی به ویژه یک مبنای قراردادی وجود نداشته باشد. بنابراین هرگاه دارا شدن ناشی از قرارداد باشد، این استفاده بلاجهت نیست و قرارداد جهت و مجوز قانونی دارا شدن به شمار می‌آید^{۹۳}.

باید این نکته را در نظر داشت که هرچند تراضی میان طرفین قرارداد مبنایی بر وجود سبب است. اما آیا هر سببی می‌تواند مشروع باشد؟ آیا قرارداد رانتی که ظاهراً بر مبنای توافق منعقد شده است را می‌توان مشروع و واجد سبب دانست؟ همان‌طور که در بررسی فقهی قاعده اکل مال به باطل گذشت، رانت سببی باطل است که می‌تواند از مصادیق قاعده باشد. زمانی دارا شدن ناشی از قرارداد، مشروع و مباح است که سبب انعقاد آن هم مشروع باشد. در غیر این صورت نامشروع است و برای طرفین ایجاد تعهد نمی‌کند. بنابراین بر خلاف این دیدگاه که استناد به قاعده را با وجود قرارداد دشوار می‌دانند، باید گفت؛ این قاعده مبنای بسیاری از قواعد دیگر است که به موجب آن هر کس بدون سبب مشروع و به زیان دیگری دارا شود، مکلف به استرداد است. خواه این دارایی در نتیجه عقدی از عقود باشد یا ضمان قهری. قاعده مذکور، به عنوان اصل کلی حقوقی در مسوولیت قراردادی و غیر قراردادی قابل استناد است^{۹۴}.

در واقع قواعد ضمان قهری همه جا نسبت به همه اشخاص حتی متعاقدين جاری است و به صرف وجود قرارداد نباید آنها را نادیده گرفت. استناد به اینکه قصد قانونگذار جدایی دو مسوولیت و عدم تداخل میان آنها بوده است، صحیح نیست. از طرفی این استدلال که طرفین با انعقاد قرارداد خواسته‌اند فقط قرارداد را حاکم بر روابط خود کنند و قواعد ضمان قهری کنار رود، قابل خدشه است. زیرا قصد طرفین باید در هر مورد خاص از قرارداد استنباط شود و نمی‌توان در این زمینه حکم کلی کرد. همان‌طور که می‌دانیم، چنانچه به نفع شخص ثالثی در قرارداد تعهد صریح یا ضمنی بر قرار شده باشد، وی می‌تواند با انصراف از قرارداد، دعوای قهری اقامه کند. پس به طریق اولی باید چنین حقی را برای طرفین قرارداد به رسمیت شناخت و صرف وجود قرارداد را مانع امکان استناد به ضمان قهری ندانست^{۹۵}.

^{۹۲} - همان: ۵۷۷

^{۹۳} - صفایی، ۱۳۶۴: ۵۳

^{۹۴} - مرتضوی، ۱۳۹۰: ۲۳

^{۹۵} - ایزانلو، پاک نیت، ۱۳۹۱، ۸۱

از سوی دیگر، با بررسی برخی آرای بین المللی نیز می‌توان به این نتیجه رسید که با وجود قرارداد هم امکان استناد به این قاعده هست. در دعوای (Lena Goldfields Ltd) با وجود قرارداد و نقض آن از سوی یکی از طرفین، دادگاه داوری به قاعده دارا شدن ناعادلانه نیز استناد کرده و آن دو را قابل جمع دانسته است و در رای خود به این مساله اشاره می‌کند که : « ... دادگاه ترجیح می‌دهد رای خود را بر اصل دارا شدن ناعادلانه مبتنی سازد با اینکه به اعتقاد دادگاه مبلغی که از آن حاصل می‌شود، تفاوت نمی‌کند »^{۹۶}. حال با پذیرش این مساله که قراردادهای رانتی می‌توانند مصداقی از قاعده فوق باشند، می‌توان گفت که ضمانت اجرای این معاملات مطابق قاعده مذکور، استرداد دارایی‌هایی است که به ناحق و بلاجهت کسب شده است و این همان اثری است که در بررسی فقهی آمد.

^{۹۶} - صفایی، همان، ۳۲

نتیجه

معاملات مبتنی بر رانت اطلاعاتی که غالباً از سوی مقامات دولتی و مرتبطین آنها منعقد می‌شوند، مصداق بارز سوء استفاده از موقعیت هستند. چرا که به ناحق اشخاص را در موقعیت برتری نسبت به هم قرار می‌دهند و دارنده اطلاعات را صاحب درآمد غیر مولد مازاد بر هزینه فرصت‌های صرف شده می‌کند که کسب این درآمد در شرایط عادی ممکن نیست. سوء استفاده از ضعف اطلاعاتی طرف معامله منجر به غیر منصفانه شدن این قراردادها است که آثار **زبان‌بار** اقتصادی و اجتماعی به دنبال دارد. به این معنا که علاوه بر فقدان کارایی اقتصادی، هزینه‌های مستقیم و غیر مستقیمی بر جامعه تحمیل می‌کند. اتلاف منابع کمیاب جامعه به سمت فعالیتهای غیر مولد و نا کارآمد، کاهش توان خلاقیت و نوآوری در جامعه، تشویق افراد به سرمایه گذاری در کسب اطلاعات فاقد ارزش که منجر به کاهش ثروت اجتماعی می‌گردد، از آثار سوء انعقاد قراردادهای رانتی است. با توجه به کمبود منابع ارزشمند جامعه، جلوگیری از هدر رفت آنها از وظایف حاکمیت است. یکی از ابزارهای مورد نیاز برای این امر، برخورداری از حق ورود به حیطه قراردادهای خصوصی است. در همین راستا می‌توان قراردادهای رانتی را که آشکارا تهدیدی بر کارآمدی اقتصاد است قابل فسخ دانست. زیرا دارنده اطلاعات رانتی مکلف به افشای اطلاعات به طرف معامله است که نقض این تکلیف منجر به فسخ قرارداد به استناد خیار تدلیس می‌گردد. از سوی دیگر، رانت خوار ملزم به استرداد درآمدهای حاصله به مالک قبلی است. چرا که کسب درآمد از طریق رانت، تحصیل نامشروع مال و در قلمرو قاعده دارا شدن ناعادلانه است. ضمانت اجرای استرداد با آثار قاعده فقهی اکل مال به باطل نیز **همخوانی** دارد. زیرا رانت سببی باطل است که از مصادیق اکل مال به باطل محسوب می‌شود و این سبب باطل مورد نهی شارع قرار گرفته است. به ویژه اینکه، قاعده اکل مال به باطل به جهت جامعیت، تاثیر به سزایی روی اقتصاد جامعه دارد و کارآمدی آن به دلیل رعایت اصول اقتصادی و از همه **مهم‌تر** ایجاد انگیزه برای انجام **فعالیت‌های** اقتصادی در جامعه مطلوب است که در نهایت موجب تحقق رفاه اجتماعی می‌گردد.

به منظور بهبود کارایی انعقاد قرارداد و بررسی تاثیرات تبادل اطلاعات از دیدگاه حقوقی و اقتصادی پیشنهاد می‌شود که قانونگذار، کسب و بهره برداری غیر مجاز از اطلاعات و تصمیمات مراجع رسمی، قبل از افشاء یا اعلان عمومی، از سوی مقامات دولتی و مرتبطین آنها را مانند آنچه در **رویه‌های** ضد رقابتی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ آمده، ممنوع نماید و ضمانت اجرای فسخ قرارداد و استرداد اموال را جهت ممانعت از انعقاد معاملات رانتی، مقرر کند.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- ۱- انصاری، مهدی، ۱۳۹۳، تحلیل اقتصادی حقوق قراردادهای، انتشارات جاودانه، چاپ دوم
- ۲- ایزانلو، محسن، پاک طینت، حسن، مطالعه ماهوی و آیین دادرسی جمع و انتخاب مسئولیت قهری و قراردادی نسبت به طرفین قرارداد، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۲، شماره ۱، ۱۳۹۱
- ۳- بهره‌مند، حمید، احمدی قیداری، امیرحسین، (۱۳۹۹) سوء استفاده از اطلاعات توسط مقامات دولتی در حقوق کیفری ایران و آمریکا با تاکید بر پیشگیری کیفری، فصلنامه رهیافت پیشگیری از جرم، دوره ۳، شماره ۳
- ۴- حسینی مقدم، سید حسن، ایزدی فرد، علی اکبر، (۱۳۹۹) اثر نهمی نسبت به معاملات از منظر اصول فقه و حقوق ایران، دو فصلنامه علمی مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، سال چهاردهم، شماره چهل و دو
- ۵- خضری، محمد، (۱۳۸۲) افزونه جویی و توسعه اقتصادی، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۲۸
- ۶- خضری، محمد، رنایی، محسن، (۱۳۸۳) رانت جویی و هزینه‌های اجتماعی آن، نامه مفید، شماره ۴۵
- ۷- خودکار، رضا، رحمتی، پرویز، (۱۳۹۹) اشتباه یکطرفه و بررسی کارایی آن در حقوق ایران وانگلیس، فصلنامه علمی تخصصی دانشنامه‌های حقوقی، دوره ۳، شماره ۷
- ۷- دادگر، یدالله، اخوان هزاره، حامده، (۱۴۰۱) حقوق و اقتصاد، نور علم، چاپ سوم
- ۸- شیخ الاسلامی، محمدعلی، (۱۳۹۷) بررسی فقهی حکم درآمدهای ناشی از رانت با استناد به آیه تجارت، آموزه‌های فقه مدنی، دانشگاه علوم رضوی، شماره ۱۸
- ۹- صفایی، سید حسین، رحیمی، حبیب‌الله، (۱۴۰۰) مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد) انتشارات سمت
- ۱۰- صفایی، سید حسین، استناد به استفاده بلاجهت با وجود رابطه قراردادی، (۱۳۶۴) مجموعه مقالات مدنی و تطبیقی
- ۱۱- عامری، پرویز، نوایی، سید مهدی، ضمان ناشی از استیفای نامشروع در حقوق ایران و فرانسه، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره اول، شماره سوم، ۱۳۸۸
- ۱۲- طاهری، حبیب‌الله، (۱۳۹۷) حقوق مدنی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول

- ۱۳- فضلی نژاد، سیف اله، احمدیان، مرتضی، (۱۳۸۹) اقتصاد رانتي در حقوق ايران و راه های برون رفت از آن مجله اقتصادي - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادي، شماره های ۱۱ و ۱۲
- ۱۴- کاتوزیان، قواعد عمومي قراردادها، (۱۳۹۰) شرکت سهامی انتشار، جلد اول
- ۱۵- کاتوزیان، ضمان قهری، مسولیت مدنی، (۱۳۹۰) انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۶- کسنوی، شادی، (۱۳۹۶) بررسی قاعده فقهی حرمت اکل مال به باطل از دریچه حقوق و اقتصاد، فقه و اصول، سال ۴۹، شماره ۴

- ۱۷) لطفی، احسان، تعهد به دادن اطلاعات در حقوق قراردادها، انتشارات امجد، تهران، ۱۴۰۰
- ۱۸- میرشکاری، عباس، رساله عملی در حقوق قراردادها، تهران، شرکت سهامی انتشار، جلد نخست، ۱۴۰۰
- ۱۹- مرتضوی، عبدالحمید، ابراهیمی، حسن، (۱۳۹۰) قاعده داراشدن غیرعادلانه در حقوق ایران و کامن لا، فصلنامه وکیل مدافع، شماره ۲

منابع عربی

- ۲۰) شیخ الشریعه اصفهانی، فتح الله بن محمد جواد نمازی، (۱۳۹۸ق) نخبه الازهار فی احکام الخیار، قم، دارالکتاب
- ۲۱) حائری، عبدالکریم، درالفواید، قم، چاپ خانه مهر، بی تا، جلد اول
- ۲۲) حسینی عاملی، سید جواد بن محمد، (۱۴۱۹ق) مفتاح الکرامه فی شرح قواعدالعلامه، قم، دفتر انتشارات اسلامی
- ۲۴) عراقی، ضیاء الدین، (۱۴۱۴ق) مقامات الاصول، قم، مجمع الفکر الاسلامی، جلد اول
- ۲۵) میرزای شیرازی، محمد تقی، (۱۴۱۲ق) حاشیه المکاسب، قم، الشریف الرضی
- ۲۶) موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۴۱۵) المکاسب المحرمه، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- ۲۷) موسوی بجنوردی، سید حسن، (۱۴۱۹ق) القواعد الفقهیه، قم، الهادی
- ۲۸) مامقانی، محمد حسن، (۱۳۱۶ق) غایه الامال فی شرح کتاب المکاسب، قم، مجمع الذخائر السلامیه
- ۲۹) موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۸ق) التنقیح فی شرح العروه الوثقی، قم، تحت اشراف لطفی
- ۳۰) مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۵ق) انوارالفقاهه، کتاب البیع، قم

۳۱) هاشمی شاهرودی، (۱۴۲۳ق) موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت، قم، موسسه دایره المعارف فقه اسلامی
بر مذاهب اهل بیت

۳۲) نائینی، محمدحسین، (۱۳۷۳ق) منیه الطالب فی حاشییه مکاسب، تهران، المکتبه المحمديه، جلد اول

منابع انگلیسی

- 33) Antony T. Kronman.(1978) Mistake, Disclosure, Information and the law of contracts. 7
journals of legal studies
- 34) CFR & 2635-703-use of nonpublic information 2011
- 35) Christopher T. Wooldred,(2007) Efficiency and conservation ,university of san Diego school of
law ,working paper 30,
- 36) John Adams & Roger Brown, word, understanding contract law, Fontana, 1994
- 37) Edward Bayer,A Doctrine of good faith in new zealand contractual Relationship, Degree of
Master in the university of canterbury, 2009
- 37) Harberger, Arnold C. (1959) monopoly and Resource Allocation, American economic,
Review, vol 54
- 38) Hondis, E.H, 2004, Towards a European civil code. Kluwer law International
- 39) Hugh Beal, mistake & Non- Disclosure of facts, oxford united kingdom, 2012
- 40) Kathryn Zeiler, 2005, common law- Disclosure Duties & The sin omission: Testing the mata
theories, George town law
- 41) Laidlaw v. organ,15 u.s. 2 wheat.178(1817)
- 42) Michael J Borden (2008), Mistake & disclosure in a model of two sided information Inputes
- 43) Marc Ramsay, The buyer/seller Asymmetry: corrective Gustive & material non- Disclosure of
toronto law, journal, 2006
- university,press 44) Miceli; Thomas J,(2004)The Economic Approach to law,California,Stanford
- 45) palda F (2000) Improper selection of lhigh- cost producers in the rent seeking, public choice,
vol, 105
- 46) Qi Zhou,(2009) contractual mistake and misrepresentation, Lecture in law. University of
Sheffield. Electronic copy available at <http://ssrn.com/abstract 1335748>.

- 47) Qi zhou, An economic perspective on the doctrine of unilateral mistake in English contract law, a remedy- based approach, 2008
- 48) Robert Cooter & Thomas ulen, (2004) law & Economics 4 the ed, Edition Massachusetts: Addison Wesley
- 49) Richard A. posner, (1979) utilitarianisms and legal theory, the journal of legal studies vol 8, no 1,
- 50) Richard craswell, Taking Information seriously: misrepresentation & non disclosure in contract law & elsewhere, virginia law Review, vol 92, 2006
- 51) Shavell , steven , (1994), Acquisition and Disclosure of information prior to sale, RAND Journal of Economic vol, 25, no. 1
- 52) Stanzler, Jordan S, (2009) Bad faith in Insurance coverage Disputes and the public nature of Insurance- Understanding the Recovery Tools
- 53) Sec v Texas Gulf sulfer (1963)
- 54) The stop trading congressional knowledge (Stock) act 2012.
- 55) Tullack, G (1967) “The welfare costs of Tarrifs, monopolies and theft” western Economic Journal vol, 5
- 56) United Nations convention Against corruption 2003
- 57) whittaker, s, principals of French law, 2005, translated by hassan rahpeyk, Tehran, Khorsandi(in persian)
- 58) Yong yong zhu, (2014) Information’ s Disclosure and Ttransmission on contract law, An Economic Anaiysis Journal of Applied sciences